

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۸، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵

سوگواره سرایی حسینی

در «قصاید شریف رضی، ترجیع‌بند ادیب الممالک فراهانی و حدیقه السعدای محمد فضولی»
(علمی - پژوهشی)

حمید ولی‌زاده*^۱

حافظ تقی‌لو^۲

چکیده

واقعه عاشور، حماسه‌ای بزرگ و بی‌بدیل در تاریخ بشر است و همواره شاعرانی از ملت‌های مختلف به تبیین جنبه‌های گوناگون آن پرداخته و احساسات درونی خود را بیان کرده‌اند. از زمره این شاعران در ادبیات عربی می‌توان شریف رضی را نام برد و از بین شاعران فارسی‌زبان نیز می‌توان به ادیب الممالک فراهانی اشاره کرد و از جمله شاعران ترک‌زبانی که به سرودن اشعار عاشورایی همت گماشته‌اند، فضولی بغدادی است. مقاله حاضر می‌کوشد که نکات مشترک نهفته در مراثی حسینی شریف رضی، ادیب الممالک و فضولی را با روشی توصیفی - تحلیلی مورد بحث و بررسی قرار دهد. شاعران مورد نظر، با توجه به موقعیت و زندگی‌شان در فرهنگ‌ها و دوره‌های مجزا از هم، هر کدام با انگیزه‌های متفاوت به بیان مظلومیت آن امام بزرگوار در واقعه عاشورا پرداخته‌اند؛ بدین سان با وجود انگیزه‌های متفاوت برای بیان این سوز، وجود تشابهاتی هم در مضامین‌شان ملموس است؛ مضامین مشترکی چون: پرداختن هر سه شاعر به قضیه کربلا، ذکر شهادت امام حسن (ع) در کنار پرداختن به واقعه عاشورا، تشنگی، گریه، شهادت و آزرده‌گی خاطر پیامبر (ص) به خاطر واقعه کربلا از جمله این موارد است.

واژه‌های کلیدی: سوگواره سرایی، امام حسین (ع)، شریف رضی، ادیب الممالک فراهانی، محمد فضولی.

^۱ - استادیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان: drhvalizadeh@yahoo.com

^۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان: taghilohafez@yahoo.com

۱- مقدمه

شعر، به عنوان یکی از وسایل تأثیرگذار، همواره در خدمت همه مذاهب و انقلاب‌ها بوده و هست و در تاریخ اسلام و شیعه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و کاربرد فراوانی داشته‌است.

سوگواری با رعایت موازین خاص، نه تنها از سوی پیامبر(ص) و پیشوایان معصوم مذمتی در پی نداشت بلکه به عنوان یک امر فطری و غریزی و مطابق با عواطف و احساسات و تمایلات سالم انسانی، دارای آثار مثبت فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. سوگنامه‌هایی که در اشعار شیعی وجود دارد، نشان می‌دهد که علت گسترده‌گی و فراوانی این سوگ سروده‌ها در اشعار شیعی را می‌توان به عواملی چون عاطفه سرشار انسانی و احساس دقیق مرثیه‌سرایان شیعه معطوف داشت. گفتنی است که مطالعه شعر اسلامی، نشان می‌دهد که مرثیه‌سرایی درباره امام حسین(ع)، بیشترین و مهم‌ترین بخش مرثی را تشکیل می‌دهد.

۱-۱- بیان مسئله

ادبیات تطبیقی، به عنوان یکی از زیرشاخه‌های نوظهور ادبیات، عبارت است از تحقیق درباره روابط و مناسباتی که بین ادبیات ملل و اقوام مختلف جهان وجود دارد. مقاله حاضر نیز که در حیطه ادبیات تطبیقی نگاشته شده‌است، به تطبیق و تحلیل در حوزه رثای حسینی در سه زبان عربی، فارسی و ترکی می‌پردازد تا بر جاودانگی هرچه بیشتر امام حسین(ع) و قیام ایشان در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری صحنه گذارد.

در حوزه شعر حسینی در زبان عربی می‌توان شریف رضی را از پیشگامان این عرصه دانست؛ کسی که خود از ذریه و سلاله امام حسین(ع) است. در زبان فارسی نیز از میان شاعران برجسته‌ای که به بیان واقعه کربلا پرداخته‌اند، می‌توان از میرزا محمدصادق فراهانی، ملقب به ادیب‌الممالک فراهانی نام برد که با وجود دغدغه‌ها و مشکلات دوره خود، نه تنها نام نیک امام حسین(ع) و قیام ارزشمندش را از یاد نبرده بلکه با ترجیع‌بند چهارده‌بندی خود، این واقعه ارزشمند را به تصویر کشیده و قدرت شاعری خود را در این عرصه نشان داده‌است. در میان شاعران ترک زبان نیز هر زمان که سخن از مدح و رثای

ائمّه و اهل بیت (ع) به میان می‌آید، نامی که بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، فضولی بغدادی است که با تحریر کتاب «حدیقة السعداء»، نام خود را در میان شاعران پیشگام عرصه سوگواره سرایی حسینی در زبان ترکی گنجانده است. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی تطبیقی ادبی واقعه عاشورا در آثار شاعران مذکور پردازد و در این راستا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ذکر سوگواری امام حسین (ع)، با چه مضامینی در اشعار رضی، ادیب الممالک و فضولی تجلی یافته است؟

- وجوه تشابه و تمایز مضامین مشترک این شاعران از لحاظ محتوایی کدامند؟
با وجود تنوع زبانی و فرهنگی شاعران مورد نظر، طبیعی است که شاهد وجود مشترکات مضمونی و محتوایی زیادی در اشعارشان باشیم؛ مضامینی که نقطه مشترک بیشتر سوگواری سرایی‌ها، خصوصاً سوگواری در حیطه ائمّه و امام حسین (ع) است؛ مضامینی مثل: تشنگی، مظلومیت و چگونگی شهادت که هر یک از شاعران، با هنر و توانایی خاص خود به بیان آنها می‌پردازند.

۱-۲- پیشینه تحقیق

موضوع عاشورا، از ابتدا مورد توجه شاعران و نویسندگان زیادی بوده است. در عصر حاضر نیز پژوهشگران همواره به آن توجه ویژه‌ای داشته و آثار خود را در قالب کتاب و مقاله عرضه داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به کتاب «امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی»، اثر انسیه خزعلی اشاره کرد که در سال ۱۳۸۳ نوشته شده است. از پژوهش‌های دیگر در این راستا، مقاله‌ای است تحت عنوان «جستاری بر مرثیه‌های شریف رضی و محتشم کاشانی» که در سال ۱۳۸۹، توسط علی‌رضا محمدرضایی و مریم کیا تدوین شده است و نیز مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای مرثیه امام حسین (ع) در دیوان محتشم کاشانی و شریف رضی» که در سال ۱۳۸۸، توسط یوسف لطف تدوین شده که در آن در کنار تبیین و تفهیم مراثی، اجمالاً به برخی مضامین اشعار شریف رضی و نیز محتشم کاشانی، به - عنوان یک شاعر فارسی‌زبان، پرداخته شده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

به دلیل غلبه سوگواری در شعر حسینی، این نوع شعر، به عنوان یکی از صادق ترین و خالص ترین فنون شعری در میان شاعران، نمود پیدا کرده است. پژوهش پیش رو، با پرداختن به اشعار حسینی در زمینه سوگواره سرایی در سه زبان عربی، فارسی و ترکی، با نگاه تطبیقی، در نظر دارد با دیدی جدید و ویژه، به این نوع اشعار بنگرد؛ اشعاری که محققان، آنها را از بیشتر جنبه‌ها مورد بررسی قرار داده‌اند ولی اهتمام به آنها از نظر تطبیقی بین سه زبان زنده و پویای دنیا (عربی، فارسی و ترکی) کمتر بوده است؛ اشعاری که به دلیل دارا بودن مفاهیم والا و ارزشمند اخلاقی، دینی و حتی تاریخی، لازم است تا بیشتر مورد توجه و کنکاش پژوهشگران و ادیبان از هر زبان و قومیتی قرار گیرند.

۲- بحث

پژوهش حاضر، در صدد است تا در گام نخست، مضامین مشترک اشعار حسینی سه شاعر مدنظر را استخراج کند و ارائه دهد و سپس، به تحلیل و بررسی مشترکات پردازد. با توجه به گوناگونی زبانی و قومیتی شاعران و به دلیل یکسانی مذهب، وجود اندیشه‌ها و معانی مشترک در اشعار حسینی شاعران، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ لذا، امید است که مورد استفاده پژوهشگران عرصه ادبیات تطبیقی و عاشورایی زبان‌های مختلف قرار گیرد تا به پیشبرد هرچه بیشتر ادبیات حسینی در جوامع مختلف بیانجامد.

۲-۱- شریف رضی

ابوالحسن، محمد بن ابو احمد الحسین موسوی، معروف به سید رضی، در بغداد و به سال ۳۵۹ هجری به دنیا آمد. وی از خاندانی بزرگ و از سادات هاشمی و آل ابوطالب است و از این روی است که به وی شریف می‌گویند. پدرش با پنج واسطه، به موسی بن جعفر (ع)، امام هفتم شیعیان، می‌رسد و مادرش نیز از نوادگان امام زین العابدین (ع)، امام چهارم شیعیان، است. (ابن خلکان، بی تا: ۴۱۴) و (فروخ، ۱۹۸۹، ۳: ۵۹) سید رضی، بامداد یکشنبه، ششم محرم ۴۰۶ هجری، در خانه‌اش در بغداد، زندگی ۴۷ ساله و پرماجرا و بابرکت و پویای خود را بدرود گفت. گویند او را در منزلش، در محله کرخ دفن کردند. بنا به قولی، پس از خراب شدن خانه‌اش، سید مرتضی او را به کاظمین برد و در جوار حرم

امام موسی الکاظم دفن کرد و به قول دیگری، به نقل از عبدالحسین حلی، او را به کربلا برده، در کنار قبر پدرش دفن کردند. (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۴۹-۱۵۰) شریف رضی، آثار فراوانی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: «معانی القرآن»، «مجاز القرآن»، «مجازات الآثار النبویه»، «الخصائص»، «حقائق التأویل و متشابه التنزیل» و «گردآوری نهج البلاغه».

شعر شریف رضی، نغمه‌هایی است که بیانگر عشق‌ها و آلام او یا سروده‌هایی پرطنین از مفاخرات غرورآمیز اوست. شعر او به چند دسته تقسیم می‌شود: ۱- حجازیات، ۲- رثائیات، ۳- شعیات و ۴- فخریات. (الفاخوری، ۱۴۲۲، ۱: ۸۳۳ ° ۸۳۴)

۲-۲- قائم مقام فراهانی

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، در سال ۱۱۹۳ هجری قمری، در هزاوه فراهان اراک متولد شد. او فرزند میرزا عیسی، وزیر عباس میرزا، حاکم آذربایجان، بود. در سال ۱۲۳۷ هـ.ق، پدرش درگذشت و ابوالقاسم با سمت قائم مقامی، بر جای پدر نشست اما دو سال بعد، کدورتی بین عباس میرزا، ولیعهد و نایب السلطنه آذربایجان، و قائم مقام پدید آمد و او به دستور فتحعلی شاه، از کار برکنار شد. عاقبت، وی در سال ۱۲۵۱ هـ.ق، در میدان بهارستان به قتل رسید. (لنگرودی، ۱۳۷۵: ۱۷۰)

قصاید قائم مقام، مشتمل بر حوادث سیاسی آن عصر است و بیشتر به جنگ‌های عباس میرزا با همسایگان اختصاص دارد. قسمت دیگر اشعار او، شکوایه‌هایی است که در دوره انفصال از خدمت سروده است. مدایحی نیز در اشعار او یافت می‌شود که در آنها، به عیوبی که در مملکت بوده، پرداخته است. (حمیدی شیرازی، ۱۳۶۴: ۴۳-۴۴)

۲-۳- ملا محمد فضولی بغدادی

محمد فضولی یا ملا محمد بن سلیمان بغدادی (۱۴۸۳-۱۵۵۶م)، شاعر و ادیب ترک است. او را «بزرگ‌ترین شاعر ترکی آذربایجانی در سده دهم» می‌دانند. پدر وی، ساکن حله در عراق امروزی بود و محمد فضولی هم در آنجا به دنیا آمد و در بغداد پرورش یافت؛ از این روی، سه زبان ترکی، فارسی و عربی را به خوبی می‌دانست و به هر سه زبان، شعر سروده است. او را یکی از پایه‌گذاران سبک هندی نیز می‌دانند. (مشرف، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۷) از مشهورترین آثار وی می‌توان به «دیوان ترکی»: شامل ۳۲۷ غزل، ۵۱ قطعه، ۵ مربع، ۴

مخمس، ۱ مسدس، ۴ ترجیع بند، ۱ ترکیب بند و ۸ رباعی، «دیوان فارسی»: شامل ۴۱۰ غزل، ۴۹ قصیده، ۱ ترکیب بند، ۱ مسبع، ۱ مسدس، ۴۶ قطعه و ۱۰۵ رباعی، «دیوان عربی»: شامل ۱۱ قصیده، «لیلی و مجنون»: شامل ۳۰۹۶ بیت در قالب مثنوی، «بنگ و باده»: شامل ۴۴۴ بیت و «حدیقه السعداء» اشاره کرد. فضولی در حدیقه السعداء، روضه الشهدای حسین واعظی کاشفی را در نظر داشته و در شرح دلاوری‌ها و سختی‌های پیامبر(ص) و امامان شیعه در مبارزه با مخالفان و کافران، شعر سروده‌است و قطعاتی به زبان ترکی در تبیین واقعه کربلا و شهادت حضرت امام حسین (ع) آورده‌است. (شعردوست، ۱۳۷۵: ۱۲۱ - ۱۲۳)، (کوپرولو، ۱۹۲۴: ۱۸ - ۲۵) و (رضائی، ۱۳۸۹: ۱۴۳)

۲- ۴- سوگواره‌سرایی حسینی در اشعار رضی، ادیب الممالک و فضولی

رثا، یکی از فنون شعر غنایی است که شاعر در آن، از حزن و اندوه خویش در فقدان محبوبش سخن می‌گوید. این نوع شعر، از دیرباز در ادبیات عربی مورد عنایت بوده‌است. مراثی مذهبی نیز یکی از زیرشاخه‌های اصلی شعر رثایی است؛ شعری که در میان مسلمانان، خصوصاً شیعیان، با شهادت ائمه و امام حسین (ع) معنا می‌یابد. در مراثی مذهبی، آنچه در مورد امام حسین (ع) و کربلا سروده می‌شود، بیشتر از هر موضوع دیگری است. این امر، مخصوص زبان عربی نیست بلکه زبان‌های دیگر مثل فارسی، ترکی و ... دارای میراثی عظیم از این نوع شعر هستند.

شعر عاشورایی در ادبیات عربی، از قدمت دیرینه‌ای برخوردار است و شاعران مختلفی چون کمیت اسدی، سید اسماعیل حمیری، دعبل خزاعی، منصور نمری و ... به بیان این واقعه پرداخته‌اند. شریف رضی نیز به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین شعرای عصر خود، قصاید شامخی را در رثای امام حسین (ع) و واقعه عاشورا سروده‌است.

در ادبیات فارسی نیز از حدود قرن پنجم و ششم، کم‌کم شعر عاشورایی یا ادبیات عاشورایی، چهره خودش را نشان داد. نخستین کسی که در این زمینه شعر سروده‌است، کسایی مروزی بود و پس از او، چهره‌های دیگری به‌صورت آشکار و روشن، به این مهم پرداختند. (سنگری، ۱۳۸۱: ۱۸۶) ادیب الممالک، یکی از بارزترین شاعرانی است که در

دوره «بیداری ادبی» تاریخ ادبیات فارسی، به مرثیه سرایی درباره امام حسین (ع) پرداخته است. وی با ترجیع بند چهارده بندی خود، به بیان مصائب امام حسین (ع) از زوایای گوناگون پرداخته است.

مرثیه سرایی و تعزیه خوانی، در فرهنگ و تاریخ آذربایجان نیز از قدمت دیرینه ای برخوردار است؛ به نحوی که نمی توان برای آن تاریخ مشخصی تعیین نمود. مرثیه سرایی در تاریخ آذربایجان، ابتدا با اشعاری در قالب «بایاتی»ها نمود پیدا کرد که بیشتر در فقدان پهلوانان، جوانمردان و شیوخ قبایل سروده می شد ولی از دوره صفویه به بعد، در گستره زبان آذری، به مصائب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) اختصاص یافت و ادیبان و شاعران شیعی ترک زبان، بیش از هر موضوع دیگری، به حادثه کربلا و مصائب امام حسین (ع) همت گماشتند. (عقیقی، ۱۳۷۵، ۳: ۱۵۱۴) از جمله این شاعران متعهد، محمد فضولی است که با کتاب «حدیقه السعداء» به سرودن اشعاری در این حوزه پرداخته است.

۲-۵ ° مضامین

۲-۵-۱- کربلا

کربلا، در همه ادوار اسلامی، قبله دوم آزادمردان و اندیشمندان بوده است زیرا امام حسین (ع) در آن خاک مدفون است؛ کسی که خود و خانواده اش را در راه ارزش های والای اسلامی فدا کرد. (الکلیدار، ۱۴۱۸: ۱۵) حال اینکه چرا در کنار واقعه عاشورا و مصیبت شهادت امام حسین (ع)، از کربلا نیز نام برده می شود، همواره مورد بحث است؛ البته آنچه روشن است، اینکه کربلا، محل وقوع این واقعه است و به همین سبب است که همراه واقعه کربلا عنوان می شود. در حوزه شعر حسینی، اکثر شاعرانی که به بیان مصائب امام حسین (ع) پرداخته اند، به کربلا نیز اشاره کرده اند؛ برخی از این شاعران، به نفرین این مکان پرداخته و برخی نیز در مقام ستایش آن برآمده اند.

شریف رضی، شاعری است که در اشعار عاشورایی خود، به کرات به کربلا اشاره کرده است؛ وی در مطلع قصیده اش، ابتدا زبان به نفرین کربلا می گشاید و آن را این گونه مورد خطاب قرار می دهد که خاندان پیامبر در آنجا متحمل سختی های فراوانی شد و بر خاکش، خون پاک و اشک های زلال بسیاری جاری شد:

کَرِبَلَا لَا زَلْتِ كَرْبَا وَبَلَا مَا لَقَى عِنْدَكَ آلَ الْمُصْطَفَى
 كَمْ عَلَي تَرْبِكَ لَمَّا صُرِعُوا مِنْ دَمٍ سَالٍ وَمِنْ دَمْعِ جَرَى
 (شریف رضی، ۱۴۰۶، ۱: ۴۴)

(ای کربلا! همیشه همراه با غم و اندوه باشی! اهل بیت مصطفی(ص)، چه سختی‌ها که از تو ندید! چه بسیار خون‌ها که بر خاک تو جاری شد و چه اشک‌هایی که به خاطر خون‌های ریخته شده، جاری شد.)

فضولی هم در ذکر شهادت امام حسین(ع)، از نام کربلا غافل نمی‌شود و در اشعار خود، این واقعه را با نام واقعه کربلا عنوان می‌کند و با عنایت به روایتی از امام باقر(ع) که فرموده‌اند: «خداوند، زمین کربلا را بیست و چهار هزار سال پیش از آفرینش کعبه آفرید و آنجا را برکت بخشید» (شوشتری، ۱۳۸۸: ۱۴۲)، به اهمیت این دشت اشاره می‌کند و از این واقعه، با نام محل وقوع آن یاد می‌کند:

تَکْرَارِ ذِکْرِ وَقَعَةِ دَشْتِ کَرِبَلَا مَقْبُولِ خَاصِّ وَ عَامِّ وَ صِغَارِ وَ کِبَارِ دِيرِ
 تَقْرِيرِ اِئْتِدَانِ لَرَه سَبَبِ عِزُّ وَ اِحْتِشَامِ تَخْرِيرِ اِئْتِدَانِ لَرَه شَرَفِ رُوْزِگَارِ دِيرِ
 (فضولی، ۱۳۷۳: ۱۲)

(ذکر واقعه دشت کربلا، مورد پسند خاص و عام و بزرگ و کوچک است که باعث عزت و جلال ثبت کنندگان می‌شود و همچنین، مایه بزرگواری و شرف نویسندگان این مصیبت است.)

ادیب الممالک نیز واقعه عاشورا را با نام کربلا تبیین می‌کند و با آوردن کلمه کربلا در پایان ابیات بند پنجم ترجیع‌بندش، بر ارزش و اهمیت هرچه بیشتر این دشت غمبار، صحه می‌گذارد و سخن گفتن در باب این مضمون را کاری دشوار می‌داند:

گر سر کنم مصیبتی از شاه کربلا ترسم شرر به عرش زند آه کربلا
 لرزد زمین ز کثرت اندوه اهل بیت سوزد فلک ز ناله جانکاه کربلا
 (امیری فراهانی، ۱۳۱۲: ۵۶۷)

شاعر کربلا را به مثابه انسانی می‌داند که به خاطر مصیبت‌های اهل بیت (ع)، اندوهگین است و عرش از شدت آه او، به لرزه درمی‌آید و ناله او، فلک را می‌سوزاند. همان‌طور که از ابیات فوق‌الذکر معلوم است، هر سه شاعر، در اشعار عاشورایی خود به کلمه کربلا اشاره کرده‌اند؛ شریف رضی، شهادت امام حسین (ع) را با عنوان واقعه کربلا بیان می‌کند و کربلا را به مثابه یک انسان، مورد خطاب قرار می‌دهد و از او، گله می‌کند و کربلا را مکان غم و بلا می‌داند؛ «مکانی که خود امام حسین (ع)، هنگام ورود به آن خاک، آن را کرب و بلا نامید.» (ابن عساکر، ۱۴۱۴: ۳۲۲) محمد فضولی از روز عاشورا با عنوان واقعه کربلا نام می‌برد و با اطلاق نام مکان بر این واقعه، همانند رضی، به اهمیت این مکان صحه می‌گذارد. ادیب الممالک هم با به‌کاربردن واژه کربلا، سعی کرده‌است که کربلا را نیز همگام با شهیدان آن، اندوهگین و مظلوم بداند، برخلاف رضی که کربلا را خاکی نفرین شده و مصیبت‌بار می‌داند.

۲-۵-۲- آزرده‌گی خاطر پیامبر (ص)

قال رسول الله (ص): «مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي.» (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۱۴۱) (ابن عساکر، ۱۴۱۴: ۱۲۵): رسول خدا (ص) فرمودند: هر کس امام حسن و حسین (ع) را دوست بدارد، مرا دوست داشته‌است و هر کس بر آنها کینه ورزد، بر من کینه ورزیده‌است. شریف رضی، از جمله شاعرانی است که قاتلان امام و یاران‌شان را مورد شماتت قرار می‌دهد و از اینکه حق رسول اکرم (ص) را به‌جای‌نیاورده‌اند، اندوهگین است و آنها را سرزنش می‌کند:

لَيْسَ هَذَا لِرَسُولِ اللَّهِ، يَا أُمَّةَ الطُّغْيَانِ وَالْبَغْيِ، جَزَا
غَارِسٍ لَمْ يَأَلُ فِي الْغَرَسِ لَهُمْ فَأَذَاقُوا أَهْلَهُ مُرَّ الْجَنَى
(شریف رضی، ۱۴۰۶، ۱: ۴۵)

(ای امت طغیانگر و ستمگر! این، پاداش پیامبر خدا نیست. پیامبر به‌سان کشاورزی است که در کاشتن نیکی‌ها برای آنان هیچ کوتاهی و درنگی ننمود اما آن مردمان، تلخی میوه و ثمره را به اهل بیت پیامبر (ص) چشانند.)

فضولی نیز برای بیان آزرده‌گی پیامبر(ص) از واقعه شهادت امام حسین(ع)، به جریان هاییل و قابیل و حضرت آدم اشاره می‌کند. زمانی که حضرت آدم خبر تکه‌تکه شدن هاییل را به دست برادرش، قابیل، شنید، از خداوند متعال برای قابیل طلب جزا کرد تا اینکه از طرف خداوند، ندا رسید که ای آدم، ما نصف عذاب دوزخ را برای قابیل مقرر کردیم. (فضولی، ۱۳۷۳: ۳۲-۳۳) در ادامه نفرین حضرت آدم بر قاتل فرزندش، فضولی به نفرین حضرت محمد(ص) اشاره می‌کند که به مراتب، مقامی والاتر از حضرت آدم دارد و نفرین او نیز بر قاتلین فرزندانش می‌تواند سنگین‌ترین مجازات را برای آنها به همراه داشته باشد:

مِحْنَتِ آدَمَ دَيْيْلُ مَا تَنْدِ أَنْدُوهُ حُسَيْنٌ فِي الْمَثَلِ يَبْرُ شُعْلَهُ دِيرُ بَرْقِ بِلَادِنِ أَوْلِ شَرَرِ
أَشْرَفِ خَلْقِ جَهَانِينَ أَكْثَرِ أَوْلَادِينِي قَتْلُ إِئْدَهَنْ لَرُ ذُنْيِي وَ عُقْبِي ذَهْ أَوْلَمَازِ بَهْرَهْ وَرُ
(فضولی، ۱۳۷۳: ۳۳)

(محنت و رنجی که حضرت آدم متحمل شد، همانند محنت و رنج امام حسین(ع) نیست. شرر محنت حضرت آدم، در برابر محنت امام حسین(ع)، تنها به سان شعله‌ای از برق بلاست. کسانی که فرزند شریف‌ترین مخلوق خدا (پیامبر) را به شهادت رساندند، در دنیا و آخرت بهره‌مند نخواهند شد.)

ادیب الممالک در شروع ترجیع‌بند خود و در پایان همه ابیات، لفظ مصطفی را قرار می‌دهد تا نخستین بندش را به پیامبر(ص) اختصاص دهد و واقعه عاشورا را عاملی برای مکدر شدن خاطر حضرت مصطفی(ص) بداند:

دارالسلام خلد که دارالسرور بود شد زین قضیه کلبه احزان مصطفی
یکباره آب کوثر و تسنیم و سلسبیل خون شد ز اشک دیده گریان مصطفی
طوبی خمیده و حور پریشان نمود موی از آه سرد و حال پریشان مصطفی
(امیری فراهانی، ۱۳۱۲: ۵۶۵)

شاعر اندوه و مصیبت وارده بر پیامبر(ص) را تا حدی بزرگ می‌داند که به خاطر آن، بهشت برای پیامبر(ص) تبدیل به کلبه احزان شد و آب‌های بهشتی نیز به خاطر گریه

پیامبر(ص)، خونین شدند و از آه سرد رسول(ص)، قامت طویای بهشتی خمیده شد و حورالعین، موهای خود را آشفته گردانید.

نگرانی پیامبر(ص) برای شهادت فرزندش، در اشعار هر سه شاعر نمود پیدا کرده است؛ شریف رضی از ناسپاسی امت پیامبر(ص) گله می کند و بر قاتلان امام حسین(ع) به خاطر اندوهگین ساختن پیامبر(ص) خرده می گیرد؛ فضولی، شاعر ترک زبان، نیز با یادآوری نفرین حضرت آدم بر قایل، به نفرین قاتلان امام حسین(ع) از سوی پیامبر(ص) اشاره کرده است و قاتلان آن امام همام را در دنیا و آخرت، از هر چیزی بی بهره می داند؛ ادیب الممالک نیز بهشت را به خاطر شهادت امام حسین(ع) کلبه احزان پیامبر(ص) می داند و معتقد است که گریه و آه پیامبر(ص)، نعمت های بهشتی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بهره بردن از آرایه تشبیه در شعر رضی و فضولی و مراعات نظیر در شعر ادیب الممالک، نکته قابل ذکر در بیان این مضمون توسط سه شاعر است.

۲-۵-۳- تشنگی

از شاخصه های برجسته قیام عاشورا، تشنگی امام و یارانش است. تشنگی، به جزء جدایی ناپذیر واقعه عاشورا تبدیل شده است و به دلیل اهمیت آن، هر شاعری، با هر زبان و قومیتی که به مرثیه سرایی و وصف در حوزه عاشورا پرداخته، از آن غافل نمانده است. شریف رضی، به عنوان یک شاعر عرب زبان، به کرات در اشعارش به موضوع تشنگی امام و یارانش اشاره می کند. وی کربلا را مکانی می داند که مسافران آن، به جای نوشیدن آب و سیراب شدن از آن، با سلاح های دشمن سیراب می شوند:

لَمْ يَدْوُقُوا الْمَاءَ حَتَّى اجْتَمَعُوا بِحَدِّي السَّيْفِ عَلَى وَرْدِ الرَّدَى

(شریف رضی، ۱۴۰۶، ۱: ۶۴)

(آب را نچشیدند تا اینکه با لبه های شمشیر، بر آبشخور مرگ تجمع کردند.)

رضی در ابیات دیگری نیز به این مضمون اشاره کرده است و امام و یارانش را تشنگانی می داند که دشمنان شان، آب را از آنان دریغ کردند و به جای آب، آنان را با لبه تیز شمشیر سیراب کردند:

وَنَظَامٍ يُرِيغُ الْمَاءَ قَدْ حِيلَ دُونَهُ سَقْوَةٌ دُبَابَاتِ الرَّقَاقِ الْبَوَارِدِ
 أَتَاخُوا لَهُ مُرَّ الْمَوَارِدِ بِالْقَنَا عَلَى مَا أَبَاخُوا مِنْ عَذَابِ الْمَوَارِدِ
 (همان، ۲: ۳۶۵)

(چه بسا تشنه‌ای که آب طلب کرد ولی از آب دریغش کردند و او را با نوک‌های تیز شمشیر برنده، سیراب کردند. برای او تلخ‌ترین چشمه‌ها را به وسیله نیزه‌ها مهیا ساختند، با وجود اینکه آنها، چشمه‌های گوارا را مباح کردند.)

فضولی برای بیان تشنگی امام و یارانش در روز عاشورا، ابتدا به تمثیل داستان یوسف پیامبر(ع) می‌پردازد؛ بدین بیان که برادرش، شمعون، به جای دادن آب به یوسف، آن را بر خاک می‌ریزد و خاک را به جای برادر سیراب می‌کند. فضولی، در ادامه، به دشمنان امام حسین(ع) اشاره می‌کند که در حادثه کربلا، فرات را بر روی خاندان پیامبر(ص) بستند و آنان را در عطشی سخت گرفتار کردند و این، زمینه‌ساز گمراهی آنان شد. (فضولی، ۱۳۷۳: ۷۳-۷۴) سپس، شاعر در ابیاتی، به رود فرات که در روز عاشورا توسط سپاه دشمن بر امام حسین(ع) و یارانش بسته شد، اشاره می‌کند و معتقد است که رود فرات نیز به فریادهای العطش آنان پاسخ نداد و آنان را در عطش سختشان تنها گذاشت:

رُؤُوسٌ رَزَمَ كَرْبَلَا رَاهِ خَطَا تُوْتُمُوشُ فَرَاتٍ
 قَيْلَمَا مَيْشُ آلِ مُحَمَّدٍ دَرْدَنِيْنَ دَرْمَانِي نِي
 أُولُ سَبَبَدَنْ دِيرُ بُو كِي عُذْرُ آيَلَه تُوْتُمُوشُ مُتَّصِلُ
 أَيْلَه يَيْبُ فَرِيَادُ، خَاكِ كَرْبَلَا دَامَانِي نِي
 (همان: ۷۴)

(روز جنگ کربلا، فرات، راه اشتباه در پیش گرفت و درد آل محمد را درمان نکرد و به همین خاطر، پیوسته دامان خاک کربلا را گرفته و فریاد ندامت سر می‌دهد.)

همچنین، فضولی به کسانی که آرزوی نوشیدن آب کوثر را دارند، سفارش می‌کند که

ابتدا آل رسول (ص) را که عاشق شهادت بودند و تشنه به شهادت رسیدند، یاد کنند:

إِي قَيْلَانِ لَارِ آرْزُوِي آبِ كُوْتَرِ دَمِ بَه دَمِ تَشْنَه دُنْيَادَنْ كَيْدَنْ آلِ رَسُوْلِي يَادُ إِنْ دِيْنِ
 مَا جَرَايِ كَرْبَلَا ذِكْرِيْنَ قَيْلِيْنَ شَامِ وَ سَحْرِ طَبْعِيْزِ أُولِ ذِكْرِ رِفْتِ بَخْشِ إِنْ لَه مُعْتَادُ إِنْ دِيْنِ

(همان: ۸۶)

(ای کسانی که پیوسته آرزوی نوشیدن آب کوثر را دارید، آل رسول را یاد کنید که تشنه شهادت هستند. صبح و شب به یاد واقعه کربلا باشید و طبعتان را به آن ذکر رقت بخش عادت دهید.)

ادیب الممالک هم به نوبه خود، به ترسیم این بُعد از واقعه عاشورا می پردازد و به درد و رنج‌هایی که یاران و خانواده امام حسین (ع) در این راه متحمل شدند، اشاره می کند؛ رنج‌هایی که مسلماً یکی از بارزترین آنها، تشنگی است:

آه از حسین و داغ فزون از شماره اش آن دردها که کس نتوانست چاره اش
فریادهای العطش آل و عترتش تبخال‌های لعل لب شیرخواره اش
(امیری فراهانی، ۱۳۱۲: ۵۷۱)

شاعر، دردهای امام و یارانش را بی شمار دانسته و به خاطرشان اندوهگین است؛ دردهایی که هیچ کس آنها را درمان نکرد و بارزترین آنها، تشنگی است. از همه غمبارتر، اینکه مظلوم‌ترین عطشان روز عاشورا، فرزند شیرخواره امام حسین (ع)، علی اصغر، است.

در بیان مضمون تشنگی، نکته مشترکی که در اشعار سه شاعر بارز است، نگاه تأسف بار هر سه شاعر به جریان تشنگی امام و یارانش است؛ رضی معتقد است که یاران امام، به جای نوشیدن آب، جام شهادت را سرکشیدند؛ فضولی هم ابتدا، فرات را به خاطر سیراب نکردن امام حسین (ع) و یارانش، پشیمان و نادم می داند و سپس، خطاب به کسانی که در آرزوی نوشیدن آب کوثر هستند، سفارش می کند که خاندان پیامبر (ص) را همیشه یاد کنند؛ ادیب الممالک هم با اندوه خوردن برای دردهای بی شمار امام حسین (ع)، به تشنگی اهل بیت ایشان اشاره می کند، خصوصاً به فرزند شیرخواره امام، علی اصغر (ع)، که در آن روز، متحمل رنج فراوان شد و با زبان تشنه به شهادت رسید.

تفکر و اندیشه‌ای که هر سه شاعر، خصوصاً شریف رضی را به ذکر نام پیامبر (ص) وامی دارد، ابتدا، پاسداشت مقام ایشان و سپس، هشدار دادن به قاتلان امام حسین (ع) درباره

جزای روز قیامت است؛ سید رضی بیان این نکته را ضروری دانسته است و با دیدی احساسی و انتقادی، به دشمنان امام می‌نگرد.

۲- ۵- ۴- شهادت

شهادت امام حسین (ع) را می‌توان غم‌بارترین حادثه تاریخ شیعه به‌شمار آورد. این واقعه، به‌اندازه‌ای سهمگین است که حتی در قرآن کریم نیز بازتاب دارد؛ خداوند در قرآن آورده است: لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ. (الاسراء: ۳۳): کسی را که خداوند خونس را حرام شمرده، نکشید جز به حق. مسلماً شاعران نیز در مورد شهادت امام (ع) تعابیر خاص خود را دارند؛ بعضی از جنبه احساسی، به این واقعه نگریسته‌اند و برخی نیز سعی می‌کنند که احساسات خود را کنترل و واقعه را به‌صورت عقلانی بیان کنند؛ با وجود این، اینکه شاعران از زبان‌ها و قومیت‌های متفاوتی هستند، می‌تواند نقطه عطفی در بیان این مضمون باشد.

شریف رضی برای بیان شهادت امام حسین (ع)، از ترکیب‌های ادبی، مثل بوسیده‌شدن امام توسط نیزه‌ها یا در آغوش گرفته‌شدن امام به وسیله تیرهای دشمن، بهره می‌برد:

قَبَّلَتْهُ الرَّمْحُ وَ انْتَضَلَتْ فِيهِ — هِ الْمَنَائِيَا، وَ عَانَقَتْهُ النُّصُولُ

(شریف رضی، ۱۴۰۶، ۱: ۱۸۸)

(نیزه‌ها او را بوسیدند و مرگ، درونش را احاطه کرد و تیرها نیز او را در آغوش گرفتند.) رضی با تعبیر دیگری، شهادت امام حسین (ع) را چنین توصیف می‌کند که مرگ از دست امام (ع) به لرزه درآمد؛ یعنی امام خود به استقبال شهادت رفتند:

مَغَاوَرُ قَوْمٍ يَرُوعُ الْمَوْتُ مِنْ يَدِهِ أَمْسَى وَأَصْبَحَ نَهْبًا لِلْمَغَاوِيرِ

(همان، ۲: ۴۸۰)

(دلیر و جسور قومی که مرگ را با دستانش می‌ترساند و با جسارت خود، غارتگران را به یغما و تاراج می‌برد.)

فضولی برای بیان واقعه شهادت امام حسین (ع)، ابتدا به تمثیل می‌پردازد و به نقل از کتاب کنز الغرائب می‌آورد: «روزی امام حسین (ع)، قصد بازگشت از پیش جلد بزرگوارشان

را داشتند که باران شدیدی شروع و مانع بازگشت امام شد. وقتی حضرت رسول (ص)، امام حسین (ع) را ملول و آزرده دیدند، عَلت را جو یا شدند. امام حسین (ع) فرمودند: باران، مجال بازگشت به منزل را نمی دهد. پیامبر (ص)، دعایی برای قطع باران خواندند و باران قطع شد تا امام حسین (ع)، سختی باران را احساس نکنند. فضولی در ادامه چنین می آورد: «پس بیندیش که چگونه اعضای لطیف و پاک امام حسین (ع) که پیامبر (ص) برای مصون- ماندن از باران، برایش دعای قطع باران خوانند، متحمل سخت ترین و دردناک ترین ضربه ها شدند و چگونه ظالمانه به شهادت رسید.» (فضولی، ۱۳۷۳: ۱۷۶)

سپس، فضولی با حسرت، جسم زخمی امام حسین (ع) را به گل پرپر و قامتش را به سرو تشبیه می کند و فتنه ها و سختی ها را عامل شهادت امام حسین (ع) و یارانش می داند:

خارِ ناوکِ دَن گُلِ اَعْضاسِی اُولْمُوشِ چاکِ چاکِ
پایمالِ اِئْتِمِیشِ غَمِ اُولِ سَرِوِ رَوانیِ اِیْ دَرِیغِ
اِخْتِلافِ وَضِعِ وَ طُغیانِ هَوایِ مُخْتَلِفِ
مُنْطَفِی قِیْلَمِیشِ چِراغِ خاندانیِ، اِیْ دَرِیغِ
(همان: ۱۷۷)

(اعضای همچون گل امام حسین (ع)، از خار ناوک، چاک چاک شد. افسوس که غم، آن سرو روان را پایمال کرد. اختلاف وضع و طغیان هوا، چراغ این خاندان را خاموش کرد.) ادیب الممالک هم در ابیاتی که به شهادت امام حسین (ع) اختصاص داده است، سعی می کند به جزئیات بیشتری از نحوه شهادت ایشان اشاره کند. او بیشتر به پیکر مطهر امام حسین (ع) اشاره می کند و آن هنگام که امام را به ماه شب چهارده و ستاره تشبیه می کند، بیشتر در اندیشه بیان ادبی این مضمون نیز هست:

آن جبهه شکسته و حلق بریده اش آن ریش خون چکان و تن پاره پاره اش
آن ماه چارده که ز خون بست هاله اش آن آسمان که زخم بدن بد ستاره اش
آن سر که بر فراز نی از کوفه تا به شام بردند با تیره و کوس و نقاره اش
(امیری فراهانی، ۱۳۱۲: ۵۷۱)

شاعر ابتدا به جراحاتی که جسم امام حسین (ع) برداشته، اشاره می کند و به این منظور، چهره امام را به ماه شب چهارده و پیکر ایشان را به آسمان تشبیه می کند که زخم هایش مانند ستاره ای در آسمان می درخشد و سپس، به بی حرمتی قاتلان و دشمنان امام حسین (ع)

اشاره می‌کند؛ جایی که سر مبارک ایشان را بر فراز نیزه و با طبل و ساز از کوفه به شام بردند.

در بیان شهادت امام حسین (ع) و یارانش، آنچه در اشعار هر سه شاعر نمود دارد، بیان ادبی این مضمون است؛ رضی تیرخوردن امام را به در آغوش کشیده شدن توسط تیر تعبیر می‌کند و شهادت ایشان را به نحوی بیان می‌کند که مرگ را در به شهادت رساندن امام، همچون انسانی سرگردان و ناچار می‌داند؛ فضولی، اعضای امام (ع) را مانند گلی می‌داند که توسط دشمن پرپر شده و چراغ خاندانش به خاموشی گراییده است و ادیب الممالک نیز همان‌طور که ذکر شد، برای بیان ادبی شهادت امام حسین (ع)، چهره ایشان را به ماه شب چهارده و زخم‌های ایشان را به ستارگان آسمان تشبیه می‌کند.

۲- ۵- ۵- گریه

گریه، مضمون بارز و غالب شعر بیشتر شاعرانی است که به ذکر واقعه کربلا پرداخته‌اند. سه شاعر مورد نظر، به کرات به این مضمون پرداخته و به گریه اهل بیت (ع) و عامه مردم، فرشتگان و حتی آسمان و زمین، در سوگ شهادت امام حسین (ع) اشاره کرده‌اند؛ همان‌طور که در آیه ۲۹ سوره دخان نیز به گریه آسمان و زمین اشاره شده است: *فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ* (دخان: ۲۹): «نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین و نه به آنها مهلتی داده شد.» آیه‌ای که امام علی (ع) نیز در جمع یارانشان در مسجد بر آن تأکید کرده‌اند؛ آیه‌ای که برای حقیر شمردن فرعونیان نازل شده ولی در معنای مثبتش، آن را گریه آسمان و زمین برای حضرت یحیی و امام حسین (ع) می‌دانند. (بحار- الانوار، ۴۵: ۲۰۹) و (جمعه بادی، ۱۴۲۶: ۳۵۳)

شریف رضی نیز به گریه پیش از موعد پیامبر (ص)، امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س)، برای فرزندشان، امام حسین (ع)، اشاره کرده است:

مَيِّتٌ تَبْكِي لَهٗ فَاطِمَةٌ وَ أَبُوهَا وَ عَلِيٌّ ذُو الْعُلَى
 لَوْ رَسُولُ اللَّهِ يَحْيَا بَعْدَهُ قَعَدَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ لِلْعَزَا

(شریف رضی، ۱۴۰۶، ۱: ۴۵)

(او مرده‌ای (شهیدی) است که فاطمه و پدر او علی و الامام، برای او گریه می‌کنند. اگر پیامبر خدا، بعد از او زنده می‌شد، امروز در عزای او به سوگ می‌نشست.)

وی همچنین، تراژدی کربلا را به حدی جانگداز، مهم و تاریخی می‌داند که با گذشت زمان، از یادها محو نمی‌شود بلکه هر روز و هر زمان، یاد و اندیشه این مصیبت، اشک‌ها را در چشم‌ها جاری می‌سازد؛ اشک‌هایی که تا قیامت خشک نمی‌شود و جاری است:

قَدْ مَضَى الدَّهْرُ، وَ عَفَى بَعْدَكُمْ
لَا الْجَوَى بَاخَ، وَلَا الدَّمْعُ رَقَا

(همان، ۱: ۴۶)

(روزگار گذشت و مابعد شما را محو کرد اما نه قلب آرام گرفت و نه اشک باز ایستاد.)
فضولی نیز گریستن و ماتم گرفتن برای سیدالشهدا را وظیفه و حکمی می‌داند که همه آفریدگان جهان (فرشتگان و انسیان و جنیان تا حیوانات و مراتب عالم، از هر مرتبه و قشری و هر جنسیتی) تا دم قیامت، باید بدان گردن نهند (خدایان، ۱۴۳۲: ۱۴۳):

حُكْمٌ دُورٌ جَمِيعِ خَلْقِ جَهَانَ مَلَكٌ وَ اِنْسٌ وَ جِنٌّ وَ وُحُوشٌ وَ طَيُورٌ
عَقْلٌ وَ نَفْسٌ وَ عَنَاصِرٌ وَ اَفْلَاكٌ غُلُوبٌ وَ سُفْلَى وَ اِنَاثٌ وَ ذُكُورٌ
تُوْتَالَا زَمَاتِمَ حُسَيْنٍ شَهِيدٌ اِئْتَدَه لَرَّ آهٍ وَ نَالَه تَادَمَ صُورٌ

(فضولی، ۱۳۷۳: ۸)

(حکم است که همه موجودات، از ملائکه گرفته تا انسان‌ها و اجنه و وحوش و پرندگان و عقل و نفس و عناصر و افلاک، پایین مرتبه‌ها و بلندمرتبه‌ها و زن و مرد، برای حسین شهید ماتم بگیرند و تا قیامت، به آه و ناله پردازند.)

بنا بر حدیثی که ابان بن تغلب از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است: آه کشیدن کسی که برای مظلومیت ما باشد، تسبیح است و اندوه وی برای ما، عبادت است و پنهان-داشتن سر ما، جهاد در راه خداست (ربانی خلخالی، ۱۳۸۵: ۲۹۷)، فضولی، اشک ریختن بر حادثه کربلا را باارزش و پربارتر می‌داند و می‌سراید:

أَشْكُ تَوَكُّمَكَ، آه چَكَمَكَ ضَايِعٌ أَوْلَمَا زَ رُوزِ حَسْرُ

كَا مِ بَخْسِ چِشْمِ پُرْخُونِ وَ دَلِ سُوْرَانِ أَوْلُورُ

أَشْكُ أَلَيْنَ قَطْرَةَ سِيِّ كَلْبَرِكِ كَلْزَارِ بَهْشْتِ

دُوذْ آهَيْنِ مَدِّي نَحْلِ رُوْضِيَهْ رَضْوَانِ أَوْلُوْرُ

(فضولی، ۱۳۷۳: ۱۰)

(اشک ریختن و آه کشیدن، در روز رستاخیز بی نتیجه نمی ماند و کام بخش چشم پر خون و دل سوزان خواهد شد. هر قطره اشک خونین، گلبرگی از گلزار بهشت و هر آه عمیقی که از ته دل کشیده می شود، نخل روضه رضوان خواهد شد.)

فضولی، عمق فاجعه دشت کربلا را تا حدی می داند که بر احوال شاه کربلا، امام حسین (ع)، روح نوح پیامبر و حضرت آدم و فرشتگان در عرش اعلی و روضه رضوان، می گریند. اوج کار فضولی در بیان این مضمون را جایی می توان دید که روایتی را بیان می کند که براساس آن، روزی شخصی به نام مفلح، خطاب به پیامبر (ص) می گوید که به خاطر کثرت اندوه و اشک ریختن، ممکن است ضعیف و ناتوان شوید و پیامبر (ص) پاسخ می دهند که گریه هایشان اختیاری نیست و هر زمان که واقعه کربلا و سرنوشت فرزندشان و لب خشک او را به خاطر می آورند، بی اختیار اشک از چشمانشان جاری می شود. (همان: ۲۶۴-۲۶۵) فضولی بعد از ذکر این روایت، ابیاتی را از زبان پیامبر اکرم (ص) می آورد:

دُوشْدُو كَجَهْ يَادِيْمَهْ اَلْمِ دَشْتِ كَرْبَلَا

كُوْنُوْمُ فَعَانِ وَ نَالَهْ دَهْ بِي اِخْتِيَارِ اَوْلُوْرُ

گلدیکجه یادیمه لب خشک شه شهید

بی اختیار اشک تریم اشکبار اولور

ایام چوخ بلاکره سالمیش دیریر منی

من گورذو گوم بلاکری کیم گورسه زار اولور

(همان: ۲۶۵)

(هنگامی که رنج و درد دشت کربلا به ذهنم خطور می کند، دلم از آه و ناله، بی اختیار می شود. هنگامی که لب خشک شاه شهید را به یاد می آورم، بی اختیار اشکم جاری می شود.)

روزگار مرا به مصیبت‌های متعددی گرفتار کرده‌است؛ مصیبت‌هایی که من دیده‌ام، هر کسی ببیند، پریشان و زار می‌شود).

ادیب الممالک، بیت آغازین بند سوم ترجیع‌بندش را با ذکر رنج‌ها و مصائبی که حضرت زهرا (س) متحمل شدند، شروع می‌کند و در ابیات بعدی، به بزرگ‌ترین مصیبت وارده بر حضرت زهرا (س)، یعنی خبر شهادت فرزندشان، امام حسین (ع)، اشاره می‌کند؛ مصیبتی که همواره اشک را از چشمان ایشان جاری می‌کند. در زیر به نخستین و آخرین ابیات این بند اشاره می‌کنیم:

آمد یادم از غم زهرا و ماتمش آن محنت پیایی و رنج دمادمش
(امیری فراهانی، ۱۳۱۲: ۵۶۶)

شاعر در بیت آخر به گریه حضرت زهرا (س) به خاطر مصائبشان اشاره می‌کند؛ گریه‌ای که به واسطه آن، حتی ملائک و فرشتگان مقرب نیز گریستند:
از گریه‌اش ملائک گردون گریستند کروبیان به ماتم او خون گریستند
(همان: ۵۶۷)

امام حسین (ع)، شخصیتی است که مردمان بسیاری در فقدانش گریسته‌اند؛ از پیامبر (ص) گرفته تا فرشتگان، از جنیان گرفته تا وحوش و پرداختن به این موارد، نکته اشتراک اشعار رضی، فضولی و ادیب الممالک است. رضی به گریه امام علی (ع)، فاطمه (س) و پیامبر (ص) برای شهادت فرزندشان اشاره می‌کند و آن را داغی می‌داند که گذر زمان نمی‌تواند آن را از خاطرها محو کند. فضولی هم در ابتدا، گریستن برای امام حسین (ع) را وظیفه همگان می‌داند و اجر آن را خاطر نشان می‌سازد و همانند رضی، به گریه حضرت زهرا (س) اشاره می‌کند. ادیب الممالک نیز همچون رضی و فضولی، گریه حضرت زهرا (س) برای فرزندشان، امام حسین (ع)، را بیان می‌کند. اشاره به گریستن و سوگواری، نقطه عطف سوگواره سرایی هاست؛ گریستن خود شاعر، گریاندن یا اشاره به گریه دیگران، مواردی است که در اشعار هر سه شاعر عرب، فارس و ترک، تجلی یافته است تا ابتدا بیانگر جایگاه امام حسین (ع) در میان اهل هر سه زبان باشد و سپس،

اشتراکات فرهنگی این شاعران را بیان نماید و نشان دهد که احساسات و گریه آنها، جایگاه والایی در غم از دست دادن عزیزان دارد، خصوصاً آنکه این عزیز، امام سوم شیعیان، امام حسین (ع) باشد.

۳- نتیجه گیری

نتایج و برداشت‌های کلی پژوهش، حاکی از آن است که سوگواره‌سرایی حسینی در اشعار عربی، ترکی و فارسی، با لحاظ شاعران نام‌برده، در هریک از زبان‌ها دارای نقاط اشتراک زیادی، چه از جنبه مضمونی و چه از لحاظ اعتقادی است. شریف رضی، شاعر قرن چهارم هجری، که خود از سلاله امام حسین (ع) است و همین امر می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه اشعارش در رثای امام حسین (ع)، اشعاری برخاسته از دل است و به هیچ وجه تصنعی نیست. وی هنگامی که از شهادت امام حسین (ع) می‌گوید، هم جانب بلاغی (آن هنگام که لحظه تیر خوردن امام را به بوسیده شدن امام توسط تیرها تعبیر می‌کند) و هم جانب حماسی واقعه را رعایت می‌کند. (زمانی که مغوار قوم را ذکر می‌کند و همه حتی مرگ را نیز مقهور قدرت امام می‌داند)

فضولی، شاعر ترک زبان، هم که شیعه دوازده امامی است، در ابتدای کتاب حدیقه السعداء، انگیزه خود را از تقریر این کتاب و سرودن اشعار در رثای مولایش، علاوه بر انگیزه درونی، احیا و بیان این واقعه برای اولین بار به زبان ترکی و بی‌نیاز ساختن ترک زبانان از مراجعه به منابع عربی و ... می‌داند. با وجود نزدیک به شش قرن فاصله بین رضی و فضولی، می‌توان زبان این دو را نزدیک به هم دانست؛ فضولی، همچون رضی، در رثای امام حسین (ع)، در کنار بیان شاخص‌های رثایی مثل تشنگی، گریه و ... به بلاغت کلام خود نیز توجه دارد که از جمله آنها می‌توان تشبیه پیکر امام به گل و قامت ایشان را به سرو برشمرد.

ادیب الممالک فراهانی نیز با بهره‌جستن از مضامینی که نقطه اشتراک اشعار رثایی رضی و فضولی است، اثبات می‌کند که مضامین استفاده‌شده در آن دو زبان، در زبان و ادبیات فارسی نیز دیده می‌شود. او در اشعارش (آن هنگام که بر زخم‌های امام حسین (ع) آه و

حسرت می خورد)، جانب احساسات را در پیش می گیرد و در جایی نیز همانند شاعر عرب و ترک زبان، به بلاغت متوسل می شود. (زمانی که بدن زخمی امام حسین (ع) را به آسمانی پر از ستاره تشبیه می کند.)

به هر حال، با بررسی اشعار این سه شاعر، با نگاه کلی می توان چنین استنباط کرد که تنوع زبانی، قومیتی و حتی زمانی بین این سه شاعر، تفاوت چندانی در بیان طیف مراثی شان ایجاد نکرده است و آنها با زبان ادبی مشترکی، رثای امام حسین (ع) را سروده اند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ۲- ابن خلکان. (بی.تا). **وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان**. بیروت: دار صادر.
- ۳- ابن عساکر. (۱۴۱۴هـ). **ترجمة ریحانة رسول الله (ص) الإمام الحسين (ع)**. تحقیق: محمدباقر محمودی. الطبعة الثانية. قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- ۴- امیری فراهانی، ادیب الممالک. (۱۳۱۲). **دیوان ادیب الممالک**. تحقیق: وحید دستگردی. تهران: فروغی.
- ۵- جعفری، محمد مهدی. (۱۳۷۵). **سید رضی**. تهران: بنیان گذاران فرهنگ امروز.
- ۶- جمعه بادی، محمد. (۱۴۲۶هـ). **الدمعة الساکبة (بحوث في البكاء و المأتم الحسينی)**. دمشق: مؤسسة البلاغ.
- ۷- حمیدی شیرازی، مهدی. (۱۳۶۴). **شعر در عصر قاجار**. تهران: ناشر گنج کتاب.
- ۸- خدایان آران، مهدی. (۱۴۳۲هـ). **الصحيح في البكاء الحسينی**. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- ۹- خوارزمی، ابوالمؤید الموفق. (۱۴۱۸هـ). **مقتل الخوارزمی**. تحقیق: شیخ محمد سماوی. قم: انوار الهدی.
- ۱۰- ربانی خلخالی، علی. (۱۳۸۵). **چهره درخشان حسین بن علی**. چاپ هفتم. قم: مکتبه الحسين.

- ۱۱- رضایی حمزه کندی، وحید. (۱۳۸۹). **الشعر العربی و شعراؤه فی آذربایجان**. ارومیه: بوتانشر.
- ۱۲- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، دوره سه جلدی، تهران: پالیزان.**
- ۱۳- شریف رضی. (۱۴۰۶هـ). **دیوان شریف رضی، ج ۱ و ۲**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۴- شعر دوست، علی اصغر. (۱۳۷۴). **چشمه خورشید**. تهران: بهارستان - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۵- _____ (۱۳۷۵). **گزیده مقالات مجمع بزرگداشت حکیم محمد فضولی**. تهران: بهارستان - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۶- شوشتری، جعفر. (۱۳۸۸). **امام حسین این گونه بود**. چاپ ششم. قم: انتشارات آل علی.
- ۱۷- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۷۵). **مفاخر آذربایجان**، ج ۳. تبریز: نشر آذربایجان.
- ۱۸- الفاخوری، حنا. (۱۴۲۲هـ). **الجامع فی تاریخ الأدب العربی**، ج ۱. قم: دار ذوی القربی.
- ۱۹- فروخ، عمر. (۱۹۸۹). **تاریخ الأدب العربی**، ج ۳. الطبعة الخامسة. بیروت: دارالعلم الملايين.
- ۲۰- فضولی، محمد. (۱۳۷۳). **حديقة السعداء**. تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
- ۲۱- الکلیدار، عبدالجواد. (۱۴۱۸هـ). **تاریخ کربلا و حائر الحسین**. النجف الاشرف: منشورات المكتبة الحیدریة.
- ۲۲- کوپرولو، محمدفؤاد. (۱۹۲۴). **فضولی حیاتی و اثری**. استامبول: یکی شرق کتابخانه سی.
- ۲۳- لنگرودی، شمس. (۱۳۷۵). **مکتب بازگشت**. ویرایش دوم. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۴- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳هـ). **بحار الانوار**، ج ۴۵. الطبعة الثانية. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- ۲۵- مشرف، مریم. (۱۳۸۰). **زندگی و شعر محمد فضولی**. تهران: روزنه.